

● نامه به سردبیر کد مقاله: ۱۸

طبیان قدیم و طبیان جدید

گر طبیانه بیائی به سر بالینم

به دو عالم ندهم لذت بیماری را

وقتی به عمق این شعر توجه کنیم مسلماً به این نتیجه خواهیم رسید که حتماً طبیان قدیم با بیمارانشان آن گونه رفتار می‌کردند که آنها به خاطر دیدار بیشتر پزشکان حاضر بودند درد بیماری را تحمل کنند.

براستی هم ارتباط اطباء گذشته با بیماران همواره با محبت و صمیمت عجیبی همراه بود تا حدی که بیماران پزشکان را عضو خانواده خود می‌دانستند و نه فقط در مورد بیماری بلکه درباره بسیاری از کارها و مشکلات زندگی شان با آنها مشورت می‌کردند. آن اطباء هم هر گاه لازم بود مدت‌ها بر بالین بیمارشان در بیمارستان و حتی در منزل نشسته و به آنها و اطرافیانشان دلداری می‌دادند و این حرکت چقدر در سلامت آنها کارساز بود.

و اما پزشکان جدید اصلاً حوصله حرف زدن با بیماران را ندارند چه برسد به اینکه دقایقی در کنارش نشسته و حرف‌ها و دردیل‌های آنها را گوش کنند. حتی بعضی فرصت شرح حال گرفتن و معاینه کردن را هم به خود نمی‌دهند و با ارسال بیماران به مراکز تصویربرداری و آزمایشگاه‌ها تشخیص بیماری آنها از سونوگرافی؛ اسکن؛ MRI و آزمایش خون و ادرار طلب می‌کنند نه از مهارت کلینیکی خود! و همه ناظر آن هستیم که نبود ارتباط مناسب و نزدیک بین پزشک و بیمار که در موارد بسیاری حتی از دادن یک توضیح مختصر هم در مورد بیماری به بیماران دریغ می‌کنیم چه مشکلات و گرفتاری‌هایی پیدا می‌شود.

به طوری که بیماران نه تنها حاضر به تحمل درد و دیدار طبیب نیستند بلکه ترجیح می‌دهند با طرح شکایت او را در دادگاه کارشناسی ملاقات کنند.

دکتر عبدالحمید حسابی

استاد گروه جراحی

دانشگاه علوم پزشکی تهران